

نمایش در قرون وسطی در کشورهای اروپا و مقایسه آن با نمایشهای مذهبی در ایران

(۳)

دکتر مهدی فروغ
رئیس هنرکده هنرهای دراماتیک

نباید تصور شود که نسخ نمایشنامه‌های مذهبی که در این نقاط به‌عرض تماشا درمی‌آمده همه از لحاظ شکل و نحوه پروراندن موضوع کاملاً یکسان و یا اینکه در هر منطقه نتیجه ذوق و محمول فکر یک شاعر بوده است. البته بعید نیست در هر یک از دوره‌های مزبور یک نفر در تصنیف چندین نمایشنامه دست داشته چنانکه «استاد ویکفیلد»^۱ داشته است.

درباره رابطه بین دوره‌های مختلف نمایشنامه‌های میراکل در انگلیس تا کنون مطالعه دقیق و کافی بعمل نیامده و به ارتباط قسمتهای مختلف آن با دوره‌های کامل این نمایشها نیز توجه چندانی نشده است. متأسفانه نمایشهای مذهبی ایران به مراتب کمتر از این هم مورد توجه قرار گرفته و آنچنانکه باید و شاید درباره آنها تحقیق و تتبع بعمل نیامده است.

«سر ادmond چیمبرز»^۲ فهرست بسیار جالبی از تعداد نمایشنامه‌های میراکل انگلستان را در هر یک از این پنج دوره در اختیار ما گذاشته و رابطه بین آنها را بنا نشان داده است. مجموع این نمایشها بر روی هم هشتاد و نه نمایشنامه یا حادثه است.^۳ این بنده نیز از نمایشنامه‌های مذهبی ایران که بزبانهای خارجی ترجمه شده فهرستی تدارک کرده و دریایان این رساله گنج‌آینه است. برای مطالعه آثار دراماتیک هر دوره از ادوار تاریخ بشر ما باید شرایطی را که تحت آن درام بوجود آمده بررسی کنیم. در مورد ترویج نمایشهای مذهبی قرون وسطی باید گفت که کلیسا یک عامل مهم و مؤثری بحساب می‌آمد و این همان کلیسائی بود که چند قرن پیش از آن نمایشهای انحطاط یافته رومیان را تقبیح و طرد کرد ولی در این موقع با کمال دقت و احتیاط نمایش مربوط به آئین پرستش را چون کودکی نوزاد پرورش میداد. نمایشهای مربوط به آئین پرستش همه در اصل در حول و حوش اراضی مقدس و توسط پیروان مذهبی آغاز شده است. قاعدتاً کلی ایشان از این کار این بود که بنیان عقیده و ایمان کسانی را که به آئین مسیح گرویده بودند محکمتر و مسلمتر سازند. ارتباط کلیسا حتی در موقعی که درام تاجدی از مذهب دور شد و مسائل غیر مذهبی در آن مطرح گردید نیز همچنان محفوظ مانده بود. در سده سیزدهم «ویلیام وادینگتون» مینویسد

۱ - Wakefield Master برای اطلاع بیشتر رجوع شود به کتاب سابق الذکر چیمبرز Chambers صفحه ۱۴۵. دوره یا مجموعه نمایشنامه‌های «ویکفیلد» که بنام Towneley plays یا Wakefield Mysteries معروف است و شامل ۳۳ نمایشنامه یا واقعه میشود که توسط کشیشان Friars تنظیم شده و از لحاظ قوت و استحکام وطن و طنز دراماتیک از نمونه‌های دیگر بهتر است. مجموعه‌های دیگر نمایشهای مذهبی انگلیسی عبارت است از دوره «یورک» York Corpus Christi plays شامل چهل و هشت واقعه و «چستر» Chester plays شامل بیست و پنج نمایشنامه که بیشتر آنها تقلیدی است از نمایشهای مذهبی فرانسه تحت عنوان «نمایشهای میستر مربوط به عهد عتیق» Les Mysteres du Vieil Testament و دوره نمایشهای «کاوتری» Coventry plays شامل چهل و دو واقعه.

۲ - Sir Edmond Chambers

۳ - در کتاب سابق الذکر، به ضمیمه ت، صفحات ۳۲۱ تا ۳۲۳ مراجعه شود.



راست: شبیه حضرت پتروس درست چپ و شبیه حضرت یوحنا درست راست . چپ: شبیه حضرت مریم مجدلیه .

که پیشوایان مذهبی «مجازند یک نمایش بدهند بشرط اینکه نمایش آنها بنا بر اصول عفت و تقوی و در خدمت کلیسای مقدس یعنی جائی که مردم خداوند را پرستش و عبادت میکنند باشد و نشان دهند که چگونه حضرت مسیح در گور گذاشته شد و چگونه به آسمانها عروج کرد تا باین وسیله صداقت و تقوی را در بین پیروان خود افزایش دهند»^۴ . ولی این نمایشهای «میراکل» و «پیشتر» بتدریج رو به کمال رفت و طوطی‌گویی و مفصل‌تر و از حیث زیبایی کامل‌تر شد و لذا دیگر مناسب نبود آنها را در کلیسا بمعرض تماشا بگذارند. اما تعزیه در عوض رابطه‌اش با مذهب هرگز قطع نبود و تا روزی که از روی افتاد و اجرای آن ممنوع گشت در محیط مذهب باقی ماند .

با وجود اینکه تشریفات عزاداری ماه محرم و سفر و نمایشهای مذهبی بطور کلی مورد حمایت و تشویق اولیاء مذهب شیعه بود - مخصوصاً از موقعی که دولت صفوی در سال ۱۵۰۲ میلادی^۵ استقرار یافت و بنیاد سلطنت ایران بر اصول عقائد شیعه بعنوان مذهب رسمی مملکت تثبیت شد - همیشه مورد اعتراض تند و مخالفت زیاد پیروان اهل سنت و جماعت که نیروئی قوی بود قرار داشت . باین جهت حتی علما و پیشوایان جدی و متمسب مذهب شیعه اجرای نمایشهای مذهبی

۴ - William Waddington به «رساله تده»ها Manuel des Téchés که «چمبرز» در

صفحه ۱۰۰ کتاب خود نقل کرده است مراجعه شود .

۵ - مطابق با ۹۰۷ هجری شمسی که تاریخی است که شاه اسمعیل صفوی رقیبان خود را سرکوبی کرده و پس از آن دتبریز تاج پادشاهی ایران را بر نهاده است .

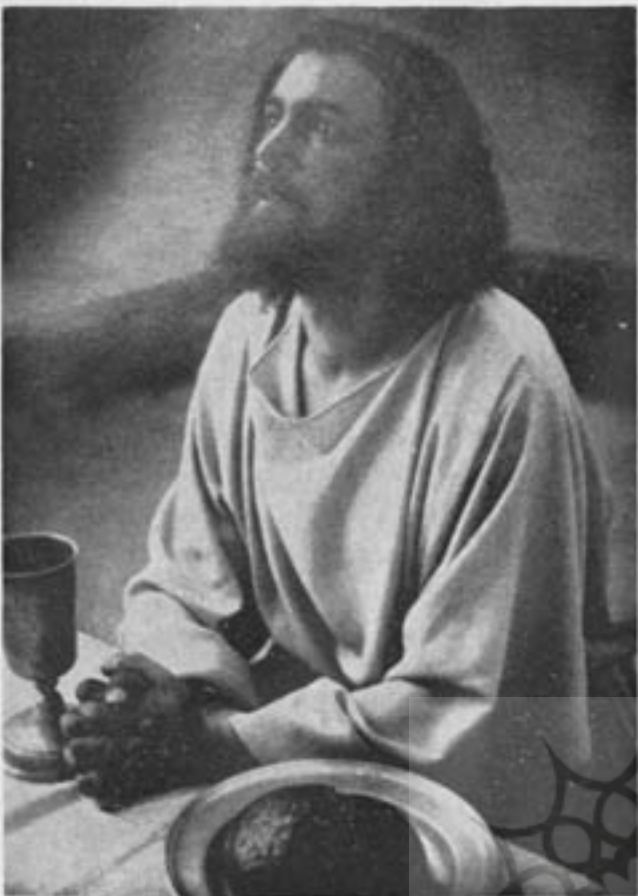


در این صحنه : شبیه حضرت مسیح .
در صحنه بعد راست : شبیه حضرت مریم .
چپ : شبیه حضرت مسیح .

واقدمات مربوط بآن را همیشه تشویق و ترغیب نمی‌کردند . نظر و عقیده کشیشان مسیحی در قرون وسطی دربارهٔ نمایشهای «میراکل» بکلی تفاوت داشت و در عین حالی که بعضی از آنها آن نمایشها را کاملاً محکوم می‌ساختند عده‌ای دیگر از رؤسای امور دینی اجرای آنها را منطقی میدانستند و معتقد بودند که چون مردم بهر صورت همیشه نیاز به تفریح و سرگرمی دارند بهتر اینست که بتماشای این نمایشها سرگرم باشند تا به تفریحاتی که موجب انحراف اخلاقی است بمرغمه اخیر فکر میکردند که تجسم بخشیدن به موضوعهای مذهبی از نقاشی کردن آنها بدتر نیست و ما میدانیم که نقاشی تصاویر مذهبی در کلیسا در قرون وسطی بی‌اندازه رایج و معمول بوده است .

ولی حتی نقاشی هم بمعینهٔ عده کثیری از معتقدان پندب اسلام کار مجازی نبود و تقریباً تمام هنرهای زیبا بنظر این عده حرام تلقی میشد . موسیقی و نقاشی و مجسمه سازی به اعتقاد مفتیان مسلمان نوعی اتلاف وقت تلقی میشد . ولی این فقط یکی از اصول مذهب اسلام است که ملت ایران که روحاً و ذاتاً طبعی هنرمند دارد آنرا جدی نگرفت . اما این تحریم هنرهای زیبا فقط یک مشکل بزرگ دیگر بر سر راه این ملت برای ایجاد یک درام ملی بوجود آورد .

بهر حال با وجود اینکه عده‌ای از متعصبان پیشوایان مذهبی اسلامی در ایران به مراسم و تشریفات ماه محرم و نمایشهای مذهبی با جبینی درهم و قیافه‌ای متعزز مینگریستند و آنرا نوعی بت پرستی تلقی میکردند و معتقد بودند که در این مراسم ائمهٔ اطهار بصورت ارباب انواع درمی‌آیند و لذا حاضر نبودند در این قبیل فعالیتها سهم و شریک باشند یا این وصف هر گز عملاً در سدد جلوگیری از آن بر نیامدند تا این اواخر که این نمایشهای مذهبی موقوف شد و از این بابت میتوان گفت که کشور ایران از دو کشور فرانسه و انگلستان خوشبخت تر بوده است زیرا مجلسی



شورای ملی فرانسه در پاریس^۶ و پورتانها^۷ در انگلیس هر یک بتوبه خود اجرای این نمایشهای مذهبی را برای مدتی بس طولانی تحریم کردند .

آغاز نمایشهای مذهبی ایران را میتوان به روضه خوانها و دوستداران شبیه خوانی ،

۶- مجلس شورای ملی پاریس در سال ۱۵۴۸ اجرای نمایشهای میستره *Mystere* را ممنوع کرد . ولی این ممنوعیت شامل نمایشهای اخلاقی و نمایشهای مضحک «فرس» *Farce* که تا سالیانی دراز در «هنلدوبورگونی» *Hotel de Bourgonge* بازی میشد نگردید . «هنلدوبورگونی» تنها تماشاخانه مجهز شهر پاریس بود که امتیاز و اجازه اجرای نمایش داشت . البته نباید تصور شود که فعالیت تئاتری آن شهر منحصر باین تالار بود بلکه در مرکز شهر و حومه پاریس در تالار اجتماعات دارالعلمها و خانه اعیان و اشراف نمایشهای «فرس» و نظائر آن برای تفریح و تفتن اجرا میشد . علت تحریم تئاترهای مذهبی این بود که بیورنی قبیح درآمد و با کلماتی رکیک و حرکاتی زشت توأم شده بود .

۷- *Puritan* نام فرقه‌ای بود از پروتستانهای انگلیس که در دوره سلطنت ملکه الیزابت اول (۱۵۳۳ - ۱۶۰۳) از شخصی بنام «ژان کالون» *John Calvin* (۱۵۰۹ - ۱۵۶۴) پیروی میکردند . «کالون» یکی از اصلاح طلبان بنام پروتستان درسده شازدهم بود که در «پیکاردی» *Picardy* در فرانسه بدنیا آمده بود و یکی از خطیبان معروف شهر پاریس شد . او را از فرانسه تبعید کردند و مدتی در ژنو به تبلیغ افکار و عقاید مذهبی خود مشغول بود و باین وسیله فرقه «کالوانیست» *Calvanist* را تشکیل داد و معتقدات آنها با معتقدات پیروان «لوتر» *Luther* که آنها را *Lutherian* مینامیدند تفاوت فاحش داشت . پیروان «کالوان» در انگلیس در اصل خود را «پورتان» مینامیدند ولی بتدریج این کلمه در مورد همه فرقه‌های معتزله اطلاق میشد و مخصوصاً کسانی که در دوره جنگهای داخلی در اواخر دوران سلطنت شارل اول در انگلیس به طرفداری مجلس شورای ملی و پند شارل و کلیسای کاتولیک برخاسته بودند پورتان مینامیدند . پورتانها در یازده ساله بین ۱۶۴۹ تا ۱۶۶۰ که کشور انگلیس بصورت ممالک مشترک المنافع تحت حکومت «کرامول» *Cromwell* اداره میشد قدرت و نفوذ زیادی یافتند ولی نفوذ ایشان از سالها پیش شروع شده بود و تئاتر را مخالف مصالح دینی و اخلاقی عامه میدانستند و آنرا در سال ۱۶۴۲ ممنوع ساخته و تمام تماشاخانه‌های شهر را تعطیل کردند .

منسوب دانست. نظیر دسته اخیر رامیتوان با نمایشهای شورانگیزی که در اروپا در شهر «اوبرامرگو»^۸ توسط علاقمندان باین تشریفات هر ده سال یکبار بازی میشود مقایسه کرد. البته در دوره‌های بعد بود که شیبه خوانهای حرفه‌ای بتدریج جای دوستداران این مراسم را گرفتند. در کشورهای اروپا نیز درامهای مذهبی ابتدا، توسط کشیشان نوشته و بازی میشد و هواداران ایشان هم با آنها همراهی میکردند ولی بتدریج هنرپیشه‌های حرفه‌ای جای ایشان را گرفتند.^۹

هم «گوبینو»^{۱۰} و هم «خودسکو»^{۱۱} چنانکه قبلاً هم اشاره کرده‌ایم^{۱۲} نمایشهای مذهبی ایران را با درامهای یونان قدیم مقایسه کرده و نکات مشابهی در آنها جستجو کرده‌اند. «مانیو آرنولد»^{۱۳} با این مقایسه گوبینو موافق نیست و احساس میکند که نمایش مذهبی «اوبرامرگو» شباهت بیشتری به تعزیه‌های ایران دارد. بحث درباره این مسئله بتفصیل از حوصله این رساله البته خارج خواهد بود ولی خواندن نظر «آرنولد» در این مورد بسیار جالب و آگاه کننده است.

باید در نظر داشت که «مانیو آرنولد» هرگز توفیق تماشای تعزیه‌های ایران را نیافته و از عهده قرائت آنها هم زبان اصلی یعنی فارسی بر نمی‌آمده و بنابراین نمی‌توانسته‌اند لطف شعر و کلام فارسی و نکات ادبی و فنی را که توسط شعرای ایرانی در تنظیم این تعزیه‌نامه‌ها بکار گرفته در یابد و به رقت احساسی که تعزیه گردانها، برای ایجاد ترس و ترحم بکار می‌بردند عنایت کند. با این وصف در رساله‌ای که تحت عنوان نمایشهای مذهبی ایران^{۱۴} نوشته ماجرای دلخراش کریلا را بصورتی روشن تشریح کرده و داستان هر واقعه را با زیبایی و قدرت کافی مورد مطالعه قرار داده است.^{۱۵}

۸ - Oberammergau نام دهکده کوچکی در جنوب آلمان در نزدیکی مونیخ و در منطقه «باواریا» و در کنار رودخانه و دریاچه‌ای بنام «امر» Ammer که مردم آن با خلوص نیت و صفا و صداقت هر چند سال یکبار حوادث دلخراش زندگی حضرت مسیح را با شکوهی هر چه تمامتر به معرض نمایش میگذارند. کمال و عظمت و زیبایی این نمایشها بعدی است که مردم از اطراف و اکناف عالم بتماشای آن میروند. هنرپیشگان این نمایشها هیچکدام حرفه‌ای نیستند و از موقع تولد بنا بر ساختن چهره و شکل صورت و اندام برای اجرای نقشی نامزد میشوند و هیئت و قیافه‌بازی خود را در تمام عمر و در موقع کار روزانه همچنان حفظ میکنند.

۹ - صورت اجرتی که در مقابل بازی بهر شبیه‌خوان در ایران داده میشود بسیار جالب و مقایسه آن با آنچه در انگلیس به بازیکنان نمایشهای میراگل میپرداختند بر فایده نیست.

به فاستون Fawston که یهودا را به دار آویخت	ده پنس
برای بازی کردن نقش خدا	سه شیلینگ و چهار پنس
به سه ارواح سفید	پنج پنس
به دو کرم و جدان	شازده پنس *

* - هر شیلینگ معادل ۹ ریال و مساوی با دوازده پنس است. در حاشیه یکی از تعزیه‌های مجموعه «لین» Litten بنام عاق و آلدین صورتی نظیر آنچه در بالا شرح داده‌شده درباره حقایق شیبه‌خوانهای ایرانی در مقابل بازی که کرده‌اند یافت میشود که ذکر آن در اینجا بی‌مورد نیست. از اینقرار:

بزرگ	چهار ریال	چلی حاجی	چهار ریال
صفر	پنج ریال	علی شمر	یک ریال
شال فروش	هفت ریال	قققاز	یک ریال و نیم
طبال	هفت ریال	جو برای اسبها	یک ریال
صفر	دو ریال	مخارج متفرقه	دو ریال

شیبه خوانها اغلب نام شخص بازی را بنام خود ضمیمه میکردند مثل علی شمر در اینجا.

۱۰ - Gobineau
۱۱ - Chodzko

۱۲ - توضیحات کافی درباره این دو نویسنده در فصلهای قبل این رساله داده شده که انشاءالله بعداً بنظر علاقمندان میرسد.

۱۳ - Matthew Arnold
۱۴ - The Persian Passion Plays

۱۵ - به کتاب «مقالات انتقادی» Essays in Criticism نوشته «مانیو آرنولد» چاپ سوم، لندن

۱۸۷۵، فصل مربوط به نمایشهای مذهبی ایران مراجعه شود.